



عضویت در سازمان همکاری شانگهای و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

علیرضا رضایی^۱

چکیده

ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای با توجه به عضویت دو عضو از پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل (روسیه و چین) در این سازمان، دارا بودن بیش از یک‌سوم جمعیت جهان، وسعت قابل توجه و توانمندی‌های اقتصادی، نوید یک ائتلاف بالقوه توانمند را می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران هم اکنون عضو ناظر در این سازمان است و با توجه به درخواست اش جهت عضویت دائم در این سازمان، به نظر می‌رسد بررسی پیامدهای عضویت ایران در این سازمان در قالب تبیین فرصت‌ها و چالش‌های عضویت، می‌تواند سیاست‌گذاری در ارتباط با مساله مذکور را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تسهیل نماید. در این مقاله برآنیم که عضویت دائم ایران در این سازمان می‌تواند از چهار جنبه سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی مورد تحلیل قرار گیرد. بر این مبنا در ابتدا به تبیین تئوریک شکل‌گیری و تداوم سازمان همکاری شانگهای خواهیم پرداخت. سپس ضمن تحلیل پیامدهای چهارگانه عضویت جمهوری اسلامی ایران در این سازمان، در پایان امکان یا عدم امکان عضویت دائم در سازمان را در شرایط کنونی بررسی نموده و مواردی را به عنوان پیشنهاد برای دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه ارائه خواهیم نمود.

واژگان مهم: سازمان همکاری شانگهای، موازنه نرم، نظام بین الملل ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا.

^۱ - استادیار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان ir.alirezarezaei@gmail.com



مقدمه

موضوع جهانی شدن باعث شده است که ائتلاف‌ها و نهادهای بین‌المللی افزایش یافته و بیش از گذشته اهمیت پیدا کنند. به همین جهت در دهه گذشته بسیاری از ائتلاف‌ها و سازمان‌ها فعال و تقویت شده است و کشورها خواسته‌ها و منافع خود را در چارچوب مجموعه‌ای از کشورهای همسو بیان می‌کنند. سازمان همکاری شانگهای هم از جمله این نهادها می‌باشد که دارای اهمیت وافری در نظام بین‌الملل کنونی است. ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای و همچنین توانمندی‌های آن با توجه به عضویت دو عضو از پنج عضو دائم شورای امنیت در این سازمان، دارا بودن بیش از یک سوم جمعیت جهان، وسعت قابل توجه و توانمندی‌های اقتصادی نوید یک ائتلاف بالقوه توانمند را می‌دهد و اگر چهار کشور عضو ناظر مغولستان، ایران، پاکستان و هند نیز به جمع اعضا اضافه گردند، سازمان شانگهای با جمعیتی حدود ۲/۷ میلیارد نفر و وسعت حدود نیمی از کره زمین به موقعیتی مهم‌تر دست خواهد یافت. این سازمان به لحاظ تئوریک زمینه بسیار جالبی برای مطالعه است، چرا که در بحث تئوری‌های روابط بین‌الملل امروزه یک بحث مهم در مورد آینده نظم جهانی تک قطبی معاصر^۲ است. همچنین زمینه مناسبی در خصوص بحث در مورد گونه‌های در حال ظهور و اشکال جدید توازن قدرت^۳ در اوایل قرن ۲۱ است. به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران قرن حاضر قرن آسیاست و بسیاری از معادلات قدرت در سطح جهانی در این منطقه تعیین می‌گردد و لذا اهمیت آسیا در آینده نظام بین‌الملل در حال افزایش است و لازم است قدرت‌های آسیایی جایگاه خود را در نظام جدید بین‌الملل تعریف نمایند. به همین جهت این سازمان نمی‌تواند در آینده به عنوان یک سازمان منطقه‌ای بماند زیرا حضور دو قدرت بزرگ چین و روسیه در شرایط متحول جهان کنونی موجب خواهد شد که این سازمان به عنوان یک سازمان فرماندهی خود را مطرح نماید. حتی اگر اهداف اولیه رهبران چین و روسیه از تشکیل سازمان همکاری شانگهای منطقه‌ای بوده است، این سازمان هم‌اکنون فرصت مناسبی برای تبادل نظر در مسایل بین‌المللی و نگرانی‌های مشترک جهانی ایجاد کرده است. در چارچوب چنین نهادهایی است که فرصت گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری‌های متقابل و توسعه همکاری‌های صنعتی و اقتصادی افزایش می‌یابد. با عنایت به وضعیت خاص منطقه‌ای و بین‌المللی، ایران نیازمند آن است که به اشکال و روش‌های گوناگون با مجموعه‌های بزرگتر منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری نماید و برخی از خواسته‌ها و منافع خود را در آن چارچوب تعریف نماید.

سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک سازمان منطقه‌ای در منطقه آسیای مرکزی از جمله نهادهای است که زمینه‌های شکل‌گیری آن پس از فروپاشی ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل و پایان جنگ سرد فراهم آمد. این سازمان که به طور عمده نماد فرایند شکل‌گیری همگرایی در آسیای مرکزی می‌باشد با رشد و گسترش خود امروزه جایگاه به نسبت مهمی را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی به دست آورده است. شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به مذاکرات مرزی چین، شوروی (که بعداً روسیه نامیده شد) در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی باز می‌گردد. در نتیجه توافقنامه‌هایی که طی سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ بین دو کشور منعقد گردید، خطوط مرزی بین چین و روسیه تنظیم گردید. ۷۵۰۰ کیلومتر خطوط مرزی چین و روسیه بارها طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی شاهد درگیری‌های مرزی بین نیروهای نظامی دو کشور بوده است. پس از فروپاشی شوروی، سه کشور تازه استقلال یافته آسیای مرکزی که هم‌مرز با چین بودند- یعنی قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان- در مذاکرات مرزی بین چین و روسیه شرکت کردند و سرانجام در آوریل ۱۹۹۶ پنج کشور مذکور توافقنامه‌ای را تحت عنوان «توافقنامه اعتمادسازی در مناطق مرزی» به امضاء رساندند که به موجب آن دول مذکور متعهد شدند محدودیتهایی را در استقرار نیروهای نظامی و فعالیت‌های نظامی خود در یک منطقه غیرنظامی مرزی به طول ۱۰۰ کیلومتر (۶۲ مایل) اعمال نمایند. از آنجایی که توافقنامه مذکور در شانگهای منعقد شده بود و پنج کشور مذکور از این پس به نام کشورهای عضو «شانگهای پنج» معروف شدند. باید خاطر نشان نمود که ابتکار تشکیل گروه شانگهای پنج توسط چین مطرح گردید. یک سال بعد، در اجلاس سران کشورهای عضو گروه شانگهای پنج در مسکو، قرارداد دیگری در زمینه کاهش نیروهای نظامی در مناطق مرزی مشترک منعقد گردید. در ۱۹۹۸ در اجلاس سران کشورهای شانگهای پنج در آلماتی، کشورهای عضو توجه خود را به تهدیدات دیگری که امنیت آنها و حکومت‌هایشان را مورد چالش قرار می‌داد معطوف کردند. در ۱۵ ژوئن سال ۲۰۰۱، ازبکستان که عضو ناظر سازمان در اجلاس سران سال ۲۰۰۰ بود، به عضویت کامل شانگهای پنج درآمد و در همین روز، شش کشور عضو مشترکاً تشکیل سازمان همکاری شانگهای^۴ را اعلام نمودند. بدین ترتیب، سازمان همکاری شانگهای با مشارکت دو ابر قدرت چین و روسیه و چهار کشور آسیای مرکزی (قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان) به عنوان یک سازمان بین‌المللی پا به عرصه وجود گذاشت و طی ده سال حیات خود تاکنون، توانسته است چهار کشور ایران، پاکستان، مغولستان و هند را نیز به عنوان اعضای ناظر به جمع اعضای خود بپذیرد. همچنین در ژوئن ۲۰۰۲ سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در سنت پترزبورگ منشور این سازمان را به امضا رساندند که در آن، اهداف، اصول، ساختار و نحوه اقدامات و همکاری‌ها و گرایش‌ها در حوزه روابط خارجی سازمان همکاری شانگهای تشریح شده است.

2- Current Unipolar World Order

3 - New Forms of Power Balancing

4 - Shanghai Cooperation Organization



با تصویب این منشور، سازمان همکاری شانگهای به صورت رسمی از لحاظ حقوق‌بین‌الملل در زمره سازمانهای شناخته شده و رسمی بین‌المللی قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران در تیرماه سال ۱۳۸۴ مصادف با پنجمین نشست سران سازمان شانگهای در آستانه قزاقستان، به عنوان عضو ناظر در این سازمان پذیرفته شد و تقاضای خود مبنی بر عضویت دائم در این سازمان را هم از آن ببعد ارائه نموده است. به همین جهت تبیین پیامدهای عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در این سازمان به جهت آشنایی سیاستگذاران خارجی کشور و پیشبرد اهداف کشور حائز اهمیت می باشد. قبل از پرداختن به این موضوع، نخست در ارتباط با علل شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای و اهمیت آن در معاللات بین‌المللی مباحثی را طرح خواهیم نمود. سپس پیامدهای عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران را در این سازمان، از منظر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تبیین خواهیم کرد.

علل شکل‌گیری و تداوم سازمان همکاری شانگهای

گسترش تعاملات جهانی در چارچوب روابط بین‌الملل، پیشرفتهای علمی و تکنولوژیک، رشد فناوری‌های نو و نیاز نظام بین‌الملل کنونی به تعامل و همکاری بیشتر، تشکیل سازمان‌هایی را برای قانونمند ساختن روابط بین دولتها ضروری نموده است. از ابتدای قرن بیستم به این سو سازمان‌های بین‌المللی به عنوان ضرورت زیست جمعی و جزئی مهم و لاینفک از نظام بین‌المللی در حال تحول به حساب می‌آیند، به نحوی که امروزه سازمان بین‌المللی یک پدیده بارز حکومت مدرن می‌باشد و به عنوان ساختاری که در واقعیت‌ها ریشه دوانیده و نسبت به ضرورت‌های روابط بین‌الملل مطابقت می‌نماید، شناخته می‌شود. در تئوری‌های روابط بین‌الملل هم نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. نئورئالیست‌ها نهادها و سازمان‌ها را به عنوان ابزاری در دست قدرت‌های بزرگ تبیین نموده‌اند. نهادگرایان سازمان‌های بین‌المللی را به عنوان حوزه‌های برای همکاری در عرصه بین‌المللی در نظر می‌گیرند. و سازه‌انگاران سازمان‌های بین‌المللی را به عنوان بازیگرانی که در ترویج هنجارها در عرصه روابط بین‌الملل فعالند، مورد بررسی قرار می‌دهند. (رضایی، ۱۳۸۸) برای فهم دقیق ماهیت یک سازمان می‌بایست علل زیربنایی شکل‌گیری آن را مورد تحلیل قرار داد. در این قسمت تلاش برآنست تا علل شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای را به صورت کاربردی مشخص نمایم. به همین جهت مجموعه نظرات مطرح شده در این خصوص را مورد بررسی قرار می‌دهم.

۱- همکاری ضد تروریستی و ضد جدائی طلبی در منطقه

در ارتباط با علل شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای بسیاری برآنند که همکاری‌های ضد تروریستی و ضد جدائی طلبی از نقش و جایگاه با اهمیتی برخوردار است. همه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از جمله چین و روسیه دارای یکسری گروه‌های تروریستی جدائی طلب هستند که به طور بالقوه توانائی بی‌ثبات ساختن منطقه آسیای مرکزی را دارند. (Weitz, 2003:57)

بسیاری برآنند که سه عامل مهم که در ایجاد و توسعه سازمان همکاری شانگهای نقش پراهمیتی داشته‌اند، و از آنها تحت عنوان «سه شر»^۵ نام می‌برند عبارتند از:

الف) تروریسم بین‌المللی^۶ (ب) افراط‌گرایی مذهبی^۷ (ج) جدائی طلبی^۸

این موارد بویژه زمانی حائز اهمیت‌اند که بدانیم که پس از فروپاشی شوروی، شاهد ایجاد انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی هستیم.^۹ به همین جهت عده‌ای برآنند که سازمان همکاری شانگهای یک کنسرتی است که در آسیای مرکزی جهت جلوگیری از برهم خوردن وضع موجود رژیم‌های قانونی پس از شوروی ایجاد شده است. بدین معنا که تهدیدات مشروعیت رژیم‌های آسیای مرکزی، نخبگان این کشورها را برآن داشت تا جهت حفظ منافع خود به ایجاد سازمان همکاری شانگهای بپردازند. رهبران چین از اسلامگرایانی که در استان سین کیانگ غربی ساکن‌اند، در هراسند. رفع معضلات چین درباره تروریسم، بنیادگرایی، جدائی طلبی و تجارت مواد مخدر از موارد مهم در پیگیری چینی‌ها در شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای بوده است. روس‌ها نیز با چالش جدائی طلبی چین‌ها روبرو هستند. دیگر دولت‌های عضو سازمان همکاری شانگهای هم هرکدام با درجات گوناگون با گروه‌های جدائی طلب روبرو هستند. (Atal, 2005:103) جالب آن است که منطقه آسیای مرکزی حتی قبل از حمله تروریست‌ها به نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م، از جانب تروریسم بین‌المللی تهدید می‌شد و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با حملات تروریستی و افراط‌گرایی روبرو بوده‌اند. (Lukin, 2004: 31-40)

به عبارت دیگر رهبران سیاسی کشورهای اوراسیا به خاطر رویارویی با تروریسم، جدائی طلبی و جرائم سازمان یافته، به عنوان یک شر بزرگ^{۱۰} گرد هم آمدند، تا به وسیله گسترش همکاری‌ها، بتوانند نقاط ضعف خود را در این بخش از طریق مساعدت‌های چند جانبه مرتفع سازند. در

5 - Three Evils

6 - International Terrorism

7 - Religious Extermism

8 - Separatism

۹- انقلاب سرخ (Rose) در گرجستان، انقلاب نارنجی (Orange) در اکراین و انقلاب قرمز (Tulip) در قرقیزستان

10 - Great Eviles



همین راستا بعد از ۲۰۰۱م در این منطقه شاهد سطح جدیدی از همکاری بین حکومت‌ها در قالب سازمان همکاری‌های شانگهای هستیم. البته میزان موفقیت در دستیابی به این اهداف بحثی جداگانه می‌طلبد. (Gleason & Shaihtudinov, 2005: 279) بدین ترتیب بسیاری برآنند که ضدیت با تروریسم نقش کلیدی در ایجاد و توسعه همکاری‌ها در قالب سازمان همکاری‌های شانگهای دارد. بویژه که فعالیت طالبان در سال ۱۹۹۸م جهت کنترل افغانستان، رهبران شانگهای ۵ را بر آن داشت تا در جهت مقابله با اقدامات ضد تروریستی همکاری‌های را شروع نمایند. (Chung, 2004: 994)

شکل‌گیری سازوکاری به نام ساختار ضد تروریسم منطقه‌ای در سازمان نیز دال بر اهمیت قائل شدن برای این عامل در شکل‌گیری سازمان همکاری‌های شانگهای است.

۲- عادیسازی روابط و تنش‌زدایی میان چین و روسیه

بسیاری برآنند که تنش‌زدایی و عادیسازی روابط میان چین و روسیه را می‌توان عامل عمده در شکل‌گیری سازمان همکاری‌های شانگهای دانست. تاسیس شانگهای ۵ نخستین بار در راستای کاهش تنش‌های مرزی میان روسیه و چین ظهور کرد. شانگهای ۵ یک اقدام نهادی بود که بر آن اساس منافع روسیه و چین را در جهت مدیریت بی‌ثباتی در آسیای مرکزی، از طریق اقدامات اعتمادسازی نظامی، که مبتنی بر محدودیت‌هایی در بکارگیری نیروی نظامی بود، به هم نزدیک می‌کرد. بر این اساس فرایند عادیسازی روابط میان چین و روسیه نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم سازمان همکاری‌های شانگهای دارد. (Weitz, 2003: 41)

سازمان همکاری‌های شانگهای در ایجاد اعتماد متقابل میان اعضا و بطور ضمنی در جلوگیری از ایجاد تنش میان اعضا موفق عمل نموده است. سازمان شانگهای بر این مبنا توانسته است به اهدافش در زمینه کاهش تهدیدات نظامی در روابط میان کشورهای منطقه آسیای مرکزی دست یابد. این موارد را می‌توان در بیانیه‌ها و موافقت‌نامه‌های سازمان مشاهده کرد. (Swanstrom, 2004: 45)

۳- ایجاد موازنه میان روسیه و چین

بر اساس این دیدگاه سازمان همکاری‌های شانگهای در جهت تفکر موازنه قدرت منطقه‌ای میان روسیه و چین شکل گرفت. این سازمان چارچوب مناسبی بود که از طریق آن روسیه و چین در مقابل نفوذ همدیگر موازنه ایجاد می‌کردند. چین بازیگر کلیدی در آسیای مرکزی می‌باشد و این به نفع روسیه نیست. برای چین سازمان همکاری‌های شانگهای عاملی جهت گسترش نفوذ سیاسی در منطقه آسیای مرکزی و زمینه‌ای برای بسط تعاملات با جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌باشد. برای روسیه هم این سازمان ابزاری مفید برای در زیر نظر داشتن حرکات چین و حتی جلوگیری از تسلط چین بر منطقه است. (Harris, 2005: 491)

این موازنه طلبی را در تحرکات هر دو طرف می‌توان مشاهده نمود. برای مثال بسیاری برآنند که حمایت روسیه از عضویت هند به عنوان عضو ناظر در سازمان به جهت ایجاد موازنه روسیه در برابر چین می‌باشد. در مقابل چین هم برای ایجاد موازنه در برابر بلوک روسیه و هند در سازمان شانگهای، از عضویت پاکستان به عنوان عضو ناظر در سازمان حمایت کرد. همچنین می‌توان به این نکته اشاره نمود که روسیه در زمینه انرژی مراداتی در شرق دور با ژاپن دارد تا از این طریق موازنه‌ای در وابستگی اقتصادی به چین ایجاد نماید. (Atal, 2005: 103) شاید بتوان حمایت چین از عضویت ایران در سازمان به عنوان عضو ناظر را هم در این راستا تبیین نمود که چین از این طریق درصدد کاهش وابستگی به انرژی روسیه و ایجاد موازنه در برابر این کشور می‌باشد.

در مجموع بر مبنای این دیدگاه رقابت جهت تسلط و نفوذ منطقه‌ای میان روسیه و چین از عوامل اصلی ایجاد سازمان همکاری‌های شانگهای است. بویژه از دید چینی‌ها، سازمان همکاری‌های شانگهای ابزاری جهت جایگزینی آنها به جای روسیه، به عنوان بازیگر کلیدی در آسیای مرکزی می‌باشد. همچنین این سازمان از منظر روس‌ها در جهت محدود ساختن نفوذ چین در آسیای مرکزی می‌تواند مثر و ثمر واقع گردد.

۴- ایجاد موازنه در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا

این دیدگاه مبتنی بر تفکر موازنه قدرت سیستمیک است. بر طبق این دیدگاه روسیه و چین در چارچوب سازمان همکاری‌های شانگهای سعی در ایجاد موازنه در برابر ایالات متحده آمریکا را دارند. به عبارت دیگر روسیه و کشورهای آسیای مرکزی می‌خواهند با همراهی چین موازنه قدرتی در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا در عرصه نظام بین‌الملل پس‌اجنگ سرد ایجاد کنند که این مهم در قالب سازمان همکاری‌های شانگهای تداعی می‌یابد. (Zhuangzhi, 2004: 61) بررسی اهداف ژئوپولیتیک سیاست‌های دفاعی چین در زمینه به چالش کشاندن ضرورت‌های نظام تک قطبی مبتنی بر هژمونی ایالات متحده ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که چین در این راستا به گسترش همکاری‌ها و گفتگوهای چندجانبه در قالب سازمان همکاری‌های شانگهای روی آورده است. به همین جهت نقش ایالات متحده به عنوان عقبه ایجاد سازمان همکاری‌های شانگهای غیرقابل انکار است. (Atal, 2005:102)(Gleason & Shaihtudinov, 2005:276)



سازمان همکاری‌های شانگهای نقش موازنه دهنده‌ای در صحنه بین‌المللی به خصوص در مقابل پیمان ناتو ایفا می‌نماید. برای مثال، ایالات متحده آمریکا درخواستی جهت عضویت به عنوان عضو ناظر به سازمان همکاری‌های شانگهای ارائه کرده بود، اما این درخواست در سال ۲۰۰۵ از طرف سازمان رد شد. همچنین سازمان همکاری‌های شانگهای از آمریکا خواسته‌است که پایگاهها و نیروهای نظامی خود را از خاک تمام کشورهای عضو خارج سازد. پس از این درخواست، دولت قرقیزستان رسماً از آمریکا درخواست کرد که برنامه خروج نیروهای آمریکایی و تعطیلی پایگاه هوایی نظامی K-2 را از این کشور را سریعاً تهیه و اعلان کند. موازنه طلبی چین و روسیه را در قالب سازمان همکاری‌های شانگهای، به عنوان یک اتحاد ضد هژمونیک می‌توان در چارچوب نظریه رئالیسم ساختاری تبیین کرد. رئالیسم ساختاری با مفروض قرار دادن شرایط آنارشیک نظام بین الملل برآنست که وضعیت خودیاری ناشی از زندگی در وضعیت آنارشیک، دولتها را در جهت افزایش ظرفیت‌های قدرت شان مصمم تر می‌سازد. توانائی‌ها نه تنها به لحاظ فیزیکی، بلکه در تداوم اقتدار، استقلال سیاسی و بقا کشورها کلید نهائی به شمار می‌رود. دولتها به لحاظ داخلی از طریق بسیج توانائی‌هایشان، و به لحاظ خارجی از طریق متحد شدن با دیگران، می‌توانند در برابر دیگر قدرتها موازنه ایجاد کنند. (Waltz, 1979: 163) بر این اساس برخی از اندیشمندان سازمان همکاری‌های شانگهای را از این دیدگاه و در چارچوب ایجاد موازنه در برابر ایالات متحده آمریکا تبیین می‌نمایند.

۵- گسترش همکاری‌های اقتصادی منطقه ای

برخی برآنند که جمهوری‌های سابق شوروی، پس از فروپاشی شوروی آمادگی استقلال کامل را نداشتند و دور ماندن آنها از صنعت، به جهت تمرکز بر تولید مواد خام، این کشورها را برآن داشت تا برای یکپارچگی و اتحاد در آسیای مرکزی قدم‌هایی بردارند. سازمان همکاری‌های شانگهای چنین بستری را برای این کشورها فراهم نمود. (انوری و رحمانی مؤحد، ۱۳۸۷: ۵۸) اهمیت مباحث اقتصادی را میتوان از تصمیم‌های شورای سران سازمان مینی بر ایجاد ساختارهای جدید مشاهده نمائیم. در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵ شورای سران حکومت‌ها (نخست وزیران)، یک کنسرسیوم بین بانکی (IBC)^{۱۱} ایجاد کردند که دارای اعضائی متشکل از بانک‌های کشورهای عضو می‌باشد، شامل؛ بانک توسعه قزاقستان^{۱۲}، بانک توسعه دولتی چین^{۱۳}، بانک توسعه امور اقتصادی خارجی روسیه^{۱۴}، بانک ملی تاجیکستان^{۱۵} و بانک ملی برای فعالیت اقتصادی خارجی ازبکستان^{۱۶} که در دومین شورای کنسرسیوم بین بانکی در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ شرکت پس انداز و پرداخت قرقیزستان^{۱۷} نیز به جمع مذکور افزوده شد. همچنین در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ مدیران بانک‌های عضو برنامه‌آفدای جهت پشتیبانی از همکاری‌های اقتصادی منطقه آسیای مرکزی را امضاء کردند که استراتژی فعالیت‌های کنسرسیوم بین بانکی را در میان مدت مشخص می‌کند. در تداوم این موضوع تصمیمات موثری در زمینه اعتبارات لازم جهت پروژه‌های با سرمایه‌گذاری مشترک در حدود ۷۴۲ میلیون دلار در همان سال امضاء شد. هم‌اکنون مدیرکل بانک توسعه قزاقستان مسولیت کنسرسیوم بین بانکی سازمان را بر عهده دارد. (SCO Website A, 2009)

در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ و در جریان کنفرانس سران دولتها در ساختاری تحت عنوان «شورای بازرگانی»^{۱۸} در سازمان همکاری‌های شانگهای تعریف شد. البته این تصمیم در پی مذاکرات نمایندگان پارلمان کشورهای عضو در می ۲۰۰۶ در مسکو اتخاذ شد. این شورا سازوکاری غیردولتی است که درصدد گسترش تعاملات بازرگانی میان کشورهای عضو و تعاملات سرمایه‌ای و مبادلات مالی اعضای سازمان می‌باشد. همکاری‌های چندجانبه در خصوص انرژی، حمل‌ونقل، تکنولوژی‌های نو، بهداشت و مسائل کشاورزی نیز در دستور کار این شورا قرار دارد. هماهنگ‌سازی قوانین ملی در زمینه اقتصاد، بخش بنیادی در فعالیت‌های این شورا است که تا کنون در این خصوص چندین موفق عمل نکرده است. (SCO Website B, 2009) در اجلاس سران در بیشکک (۲۰۰۷)، تعاملات بین دو ساختار جدید سازمان همکاری‌های شانگهای، یعنی کنسرسیوم بین بانکی و شورای بازرگانی سازمان ایجاد گردید.

جمهوری اسلامی ایران و سازمان شانگهای

در عرصه سیاست خارجی؛ منطقه‌گرایی در راستای تامین اهداف بین‌المللی یک کشور حائز اهمیت است. اما حکایت از تغییر در سیاست خارجی، از سیاستهای آرمانی و ایدئولوژیک به سیاستهای منطقی‌تری است که منافع ملی را تعقیب می‌کند. توجه به سیاست منطقه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۹۸۰ و در زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی بلافاصله پس از پایان جنگ و رحلت امام‌خمينی(ره) آغاز شد و از آن تاریخ تا به حال ادامه یافته است. در دوره آقای خاتمی؛ منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران در چارچوب نظریه

¹¹ - Interbank Consortium (IBC)

¹² - The Development Bank of Kazakhstan

¹³ - The State Development Bank of China

¹⁴ - The Bank for Development and Foreign Economic Affairs of Russia

¹⁵ - The National Bank of Tajikistan

¹⁶ - The National Bank for Foreign Economic Activity of Uzbekistan

¹⁷ - The Settlement & Savings Company of Kyrgyzstan

¹⁸ - Business Council



"گفتگوی تمدن‌ها" دنبال شد بدون این که در محتوای سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تغییر محتوایی صورت گرفته باشد. در دوره آقای احمدی نژاد نیز به جهت تقابل گرایی بیش از پیش با قدرت هژمون و تنش های موجود در تعامل میان ایران و کشورهای اروپایی، منطقه گرایی در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. از بین پنج منطقه کلیدی و امنیتی جهان، شامل خلیج فارس، دریای خزر، آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره هند و خاورمیانه، منطقه آسیای مرکزی به جهت حضور دو قدرت در حال ظهور در عرصه بین‌المللی - چین و روسیه - بیشتر توجه جمهوری اسلامی ایران را جلب نمود. برای ایران، حوزه آسیای مرکزی در نزدیکی روسیه، چین و اروپا دارای قابلیت‌های سرشار اقتصادی، استراتژیکی، تجاری و بازرگانی و البته سیاسی و دیپلماتیک است و برنامه ریزی برای استفاده مطلوب بر اساس منافع ملی از این قابلیت‌ها به توسعه نفوذ ایران در منطقه و تسهیل روابط تهران کشورهای فرا منطقه‌ای یاری می‌رساند؛ چراکه کشورهای این حوزه هر یک به تناسبی با آمریکا اروپا و دو قدرت منطقه‌ای چین و روسیه روابط گسترده‌ای دارند. ایران به مسأله همکاری‌های با همسایگان؛ با کشورهای مسلمان و نیز با کشورهای صاحب قدرتی چون روسیه و چین و اروپا و هند از این دید نظر داشته است که سیاست مهار آمریکا علیه خود را بی اثر نماید. استفاده دیگری که ایران از اولویت دادن به همکاری منطقه‌ای در سیاست خارجی خود می‌برد این است که در چارچوب آن ضرورت خروج ایالات متحده و ایفای نقش آن کشور در امور آسیای مرکزی مطرح نماید. (سنایی، ۱۳۸۹)

سازمان همکاری‌های شانگهای به عنوان یکی از سازمان‌های فعال در این منطقه می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را در دستیابی به اهداف سیاست خارجی و تامین منافع ملی در این منطقه یاری رساند. به همین جهت در تیرماه ۱۳۸۴ و در نشست سران سازمان در شهر آستانه قزاقستان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو ناظر در این سازمان مورد پذیرش قرار گرفت. این موضوع با روی کار آمدن دولت نهم در همان سال و تقویت گرایش راهبردی نگاه به شرق در سیاست خارجی، گسترش همکاری با این سازمان را تسهیل نمود، تا آنجا که آقای احمدی نژاد به عنوان نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران در ششمین نشست سران سازمان در شانگهای چین در خرداد ۱۳۸۵ حضور یافت. (انوری و رحمانی موحد، ۱۳۸۷: ۸۴) ایشان در دهمین نشست سران سازمان همکاری‌های شانگهای که در خردادماه ۱۳۹۰ در قزاقستان برگزار شد، حضور یافت و به طرح پرسش‌هایی در خصوص نحوه کنش غرب در عرصه بین‌المللی پرداخت. ایشان ضمن تاکید بر صلح و آرامش و رفاه در سایه عدالت و دوستی برای همه ملت‌ها به طرح این پرسش از دول غربی پرداختند که چرا دول غربی با طرح شعار دفاع از دموکراسی و حقوق بشر، سایر کشورها را تحت فشار قرار می‌دهد. در این اجلاس روسای جمهور چین و روسیه در ملاقات‌های جداگانه‌ای با احمدی‌نژاد، پیام یکسانی به او دادند: لزوم بهبود گفت‌وگوها.

پیامدهای عضویت دائم ج.ا.ا در سازمان همکاری‌های شانگهای

جمهوری اسلامی ایران پس از حضور رئیس‌جمهور در این سازمان و در چارچوب سیاست خارجی آقای احمدی نژاد، تمایل خود را مبنی بر عضویت دائم در این سازمان در برهه‌های مختلف اعلام نموده است. اینکه تصمیم به عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در این سازمان به لحاظ نظری و عملی چه پیامدهای را به دنبال خواهد داشت، مبحثی است که در این قسمت از چهار بعد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. پیامدهای سیاسی عضویت دائم ج.ا.ا در سازمان همکاری‌های شانگهای

وقوع انقلاب اسلامی در ایران با داعیه «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» و پیامدهای آن، از همان ابتدا این کشور را در برابر ایالات متحده آمریکا قرار داد. این رویارویی تا کنون هزینه‌هایی را بر هر دو طرف تحمیل نموده و هنوز هم جریان دارد. البته تنها ایران نیست که یکجانبه گرایی‌های ایالات متحده را در عرصه بین‌المللی بر نمی‌تابد. روسیه و چین هم چنین دیدگاهی را در تعاملات خود با ایالات متحده دنبال می‌کنند. پیشینه تعاملات میان اعضای تأثیرگذار سازمان شانگهای (چین و روسیه) با ایالات متحده آمریکا، یک اتحاد طبیعی میان ایران، چین و روسیه با هدف ایجاد موازنه در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا در عرصه نظام بین‌الملل را پررنگ می‌سازد. سازمان همکاری‌های شانگهای بستر مناسبی جهت تبدیل این اتحاد طبیعی به اتحاد استراتژیک است. ایجاد موازنه در برابر یکجانبه گرایی‌های هژمونیک ایالات متحده آمریکا در چارچوب این سازمان قابل رهگیری می‌باشد. البته بایستی به این نکته توجه نمود که جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن چنین بستری می‌تواند با عضویت دائم در این سازمان هدف خود را پیش‌ازپیش عملیاتی سازد، بویژه که دو کشور چین و روسیه نیز دارای این احساس نوستالوژیک ابرقدرتی در عرصه نظام بین‌المللی می‌باشند. دستیابی به موازنه در برابر آمریکا در این چارچوب عمدتاً در قالب ایجاد موازنه نرم^{۱۹} معنا و مفهوم می‌یابد. رابرت پاپ^{۲۰} بر آنست که هدف ایجاد موازنه نرم را میتوان خنثی کردن عملکرد دولت در حال رهبری بدون مقابله مستقیم دانست. موازنه دهنده نرم سعی می‌کند با ایجاد شرایط سخت تر برای دولت در حال رهبری یا ائتلافش از طریق افزایش هزینه‌های حفظ وضع موجود از طرق زیر اقدام نماید:

¹⁹ - Soft Balancing

²⁰ -Robert A. Pape



الف- عدم پذیرش سرزمینی؛^{۲۱} قدرت های برتر اغلب از دسترسی به سرزمین دیگر کشورها جهت اسکان نیروها و عبور و مرور نیروهای هوایی و دریایی شان سود می برند. رد دسترسی سرزمینی توسط سایر کشورها، موفقیت قدرت هژمون را در پیروزی کاهش می دهد.

ب- دیپلماسی گیرانداختن؛^{۲۲} حتی قدرت های برتر در سطح نظام بین الملل نیز نمی توانند قوانین و مقررات مهم سازمانهای بین المللی را نادیده گرفته، و به اهداف خود بدون اهمیت دادن به آنها دست یابند. در همین راستا دولت ها می توانند با استفاده از نهادهای بین المللی و سایر اقدامات دیپلماتیک برتری قدرت هژمون را برای جنگ یا حمله کاهش داده، و فرصتی برای آمادگی بیشتر به دولت هدف حمله بدهند.

ج- تقویت قدرت اقتصادی؛^{۲۳} قدرت نظامی دولت هایی را تهدید می کند، که اهدافی را در جهت ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمون دنبال می کنند. لکن قدرت عظیم اقتصادی می تواند پشتوانه خوبی باشد. در این راه ایجاد بلوک های اقتصادی انحصاری بدون حضور قدرت هژمون و بالا بردن رشد اقتصادی و تجاری بین اعضا می تواند کارگر افتد.

د- عزم راسخ برای موازنه؛^{۲۴} قدرتهای درجه دوم میتوانند با ایجاد پیمان های دسته جمعی در برابر قدرت هژمون که نیاز به همراهی سایر قدرت ها جهت جامعه عمل پوشیدن به برخی اهداف خود دارد، ایستادگی کنند. این مساله سبب می گردد تا اعتماد این قدرت ها به توانایی ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمون افزایش یابد، همچنین موجب ترغیب سایر دولت ها در جهت پیوستن به ائتلاف می گردد. (Pape, 2005: 36-37)

این مفهوم از موازنه بارها مورد تأکید مقامات ایران در اجلاس های اخیر شانگهای در سطح سران در مه ۲۰۰۸ و نیز اجلاس کارشناسی اخیر در روسیه بوده است. شکل گیری چنین موازنه ای در راستای حداکثر سازی منافع و مطلوبیت های ژئوپلیتیکی تمامی اعضای این پیمان محسوب شده و قابلیت لازم برای پیوستن بازیگران جدیدی از حوزه های آسیای غربی را خواهد داشت. سیاست خارجی ایران دارای اهداف مشترک با چین و روسیه است؛ مقابله با یک جانبه گرایی آمریکا و امکانات تسری و تعامل با پیمان های منطق های دیگر نظیر اکو، سارک، آ.سه. آن، در واقع محدودسازی قدرت مانور غرب و ناتو فراهم کرده است. حال آنکه نزدیکی هر چه بیشتر محورهای ساختاری قدرت ملی هر یک از کشورها - یعنی افزایش ارتباطات سازمانی میان نهادهای تجاری، اقتصادی، امنیتی، آموزشی و غیره - به شکل متقابل، می تواند به شکل گیری موازنه امنیتی جدیدی بیانجامد. با افزایش حضور نظامی ناتو و آمریکا در افغانستان، به عنوان همسایه شرقی ایران، حضور ایران در سازمان شانگهای مهمتر و برجسته تر می شود. از این رو بستر برای گسترش همکاری های دسته جمعی برای مقابله با عناصر برهم زننده امنیت و صلح منطق های برای اعضای آن سازمان از جمله ایران مهیا است. به همین جهت آمریکا و ناتو نگرانی هایی را در خصوص همگرایی کشورهای همچون ایران، روسیه و قزاقستان در عرصه انرژی ابراز داشته اما انرژی یکی از محورهای مهم مشارکت منطقه ای ایران در مجموعه سازمان همکاری شانگهای به شمار می رود. از سوی دیگر، جایگاه مهم سازمان شانگهای به عنوان یک نهاد بین دولتی که دو عضو دائم شورای امنیت یعنی چین و روسیه نیز در آن حضور دارند، می تواند میدان بازی را برای ایران جهت کسب و پیگیری منافع ملی و ایفای نقش منطقه ای آن، مهیا کند. باید گفت روسیه برای سازماندهی و مدیریت حوزه انرژی در چارچوب سازمان همکاری های شانگهای، نیازمند عضویت ایران است و به اعتقاد کارشناسان، پذیرش اعضای جدیدی همچون ایران، هند و پاکستان می تواند، ظرفیت خودکفایی اقتصادی سازمان را به مراتب افزایش دهد. بر این اساس، برای رسیدن به این هدف استراتژیک، ظرفیت اقتصادی ایران، ذخایر انرژی نفت و گاز، کانال های ارتباطاتی و حمل و نقل و موقعیت ژئوپلیتیک آن کشور، می تواند کمک مؤثری باشد. عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای به لحاظ سیاسی پیامدهای زیر را به دنبال خواهد داشت:

۱. ایران با همکاری چین و روسیه می تواند در برخی موارد از تنش های میان این کشورها و ایالات متحده آمریکا، به نفع خود بهره برداری

کند؛

۲. تهدید مشترک ناتو و آمریکا برای ایران و دیگر اعضای سازمان کمرنگ تر خواهد شد؛

۳. تقویت روند منطقه گرایی در نظام بین الملل و احتمال تاثیرگذاری آن بر سیاستگذاری های کلان بین المللی؛

۴. گسترش روحیه اعتماد، حسن نیت، همکاری، ثبات و تثبیت و تقویت چهره دوستانه و مثبت کشورمان در تعاملات منطقه ای؛

۵. زمینه ای مناسب جهت ایجاد ائتلاف سازنده برای رویارویی با تحریم ها و موانع دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای.

۲. پیامدهای امنیتی عضویت دائم ج.ا.ا. در سازمان همکاری شانگهای

جای هیچ تردیدی نیست که در جهان یکپارچه امروز نمی توان در انزوا به اهداف امنیتی، نایل آمد. وابستگی متقابل کشورها، بر اهمیت روابط متقابل، مذاکرات و همکاری افزوده و نیاز فزاینده به رهیافتی جامع در مورد توسعه، ضرورت تغییر نظریات راجع به روابط بین المللی را نشان می دهد.

²¹ -Territorial Denial

²² -Entangling Diplomacy

²³ -Economic Strengthening

²⁴ -Signals of Resolve to Balance



تغییر روش تعقیب منافع ملی به قیمت نابودی دیگران به رابطه‌ای براساس احترام و منافع دوجانبه تبدیل شده است. در این راستا سازمان همکاری‌های شانگهای نقش رهبری در روابط بین‌المللی اعضا می‌یابد. این سازمان در بسیاری از جنبه‌های امنیتی، درصدد تحقق اهداف امنیتی پایدار و چندجانبه، در میان اعضا است. وابستگی متقابل امنیتی در خصوص مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و تجزیه طلبی، از جمله اهدافی است که بسیاری از تحلیل‌گران آنرا مبنای شکل‌گیری این سازمان می‌دانند. البته گروهی پا را از این فراتر گذاشته و درصددند تا با شبیه‌سازی الگوی نظم در دوره نظام بین‌الملل جنگ سرد، سازمان را «ناتوی شرق» بنامند. البته سرگئی رازوف^{۲۵} وزیر دفاع وقت روسیه در ژوئیه ۲۰۰۵ اعلام کرد که «همکاری نظامی در اولویت‌های سازمان همکاری‌های شانگهای قرار ندارد و اولویت‌های ما اقتصاد و امنیت است» (انوری و رحمانی موحد، ۱۳۸۷: ۵۶) جمهوری اسلامی ایران به لحاظ امنیتی با موضوعاتی چون تروریسم و مواد مخدر درگیر است و عضویت در این سازمان می‌تواند در این زمینه همکاری‌های متقابل بین ایران و اعضای شانگهای را گسترش و تعمیق بخشد. عضویت دائم در این سازمان می‌تواند تضمین‌ها برای تأمین امنیت کشورمان را تقویت کند. به این معنا، که عضویت برابر ایران با روسیه و چین در سازمان همکاری‌های شانگهای هر چند به صورت غیرمستقیم می‌تواند نوعی بازدارندگی در برابر تهدیدات امریکا علیه کشورمان ایجاد نماید. پیامدهای امنیتی عضویت دائم ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. انتخابی مناسب جهت رویارویی با خطرات احتمالی اسرائیل، ناتو و آمریکا در همسایگی ایران؛

۲. نقطه عطف درگسترش همکاری‌های دوجانبه با کشورهای عضو در امر مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با تروریسم، اعتمادسازی و توسعه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی؛

۳. زمینه‌ای مناسب جهت ایجاد طرح نظام‌امنیت‌دسته‌جمعی با هدف مقابله با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای؛

۴. شرایطی مطلوب جهت پیگیری فعالتر رژیم حقوقی و امنیتی دریای خزر؛

۵. عضویت دائم ایران در این سازمان به معنای تأیید حرکت‌های سرکوبگرانه کشورهای عضو در خصوص حرکت‌های اسلامی و آزادیخواهانه^{۲۶} تلقی خواهد شد که بایستی با دیپلماسی مدیریت شود؛

۳. پیامدهای اقتصادی عضویت دائم ج.ا.ا. ایران در سازمان همکاری‌های

موضوع همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای فرصتی مشترک است که در گذشته بیشتر توسط اعضای ضعیف‌تر سازمان مورد تأکید قرار می‌گرفت و در حال حاضر تمامی اعضا بر آن تأکید دارند. برخورداری از قریب به یک سوم جمعیت جهان و بخش اعظم منطقه اوراسیا با منابع فراوان انرژی و قرار گرفتن در یک موقعیت ژئواستراتژیک میان دو قطب پیشرفته اقتصادی جهان یعنی شرق آسیا و غرب اروپا، سازمان همکاری‌های شانگهای را از منظر عناصر زیربنایی توسعه بسیار قدرتمند و توانا ساخته است. البته از آنجا که کشورهای آسیای مرکزی در دوره اتحاد جماهیر شوروی به عنوان تولیدکنندگان مواد خام، آنها را از صنعت و توسعه دور نگاه داشته بود، انگیزه ائتلاف‌سازی با هدف توسعه اقتصادی، آنها را جهت ایجاد سازمان شانگهای ترغیب نمود. به همین جهت پس از ایجاد سازمان در سال ۲۰۰۱، اعضای سازمان سندی در خصوص حوزه‌های اصلی همکاری اقتصادی منطقه‌ای را امضا نمودند. و در سال ۲۰۰۳ برنامه همکاری اقتصادی و بازرگانی چندجانبه را تصویب کردند.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه به گسترش تعاملات خود بر مبنای یک سیاست خارجی توسعه محور با سایر کشورها نیازمند می‌باشد. سازمان همکاری‌های شانگهای با توجه به حضور چین، روسیه و هند زمینه مناسبی جهت دستیابی به اهداف توسعه محورانه ایران می‌باشد. ورود به این سازمان می‌تواند اقتصاد ایران را به اقتصاد کشورها و مناطق پیرامونی خود پیوند زده و قلمرو بزرگی در حوزه‌های جغرافیایی مختلف از شرق و جنوب شرق آسیا، منطقه آسیای مرکزی و روسیه ایجاد کند که به حتم در افزون شدن منافع اقتصادی کشورمان مؤثر خواهد بود. پیامدهای اقتصادی عضویت دائم ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. گسترش همکاری‌ها در حوزه انرژی و زمینه مناسب جهت ایجاد ائتلاف‌های جدید در این خصوص، برای مثال اوپک گازی؛

۲. حفظ و گسترش بازار مصرفی بزرگ و بادوام برای نفت و صادرات غیرنفتی و رفع نیازمندی‌های تکنولوژیک و منابع مالی مورد

نیاز برای توسعه صنعتی با توجه به ظرفیت کشورهای عضو؛

۳. گسترش و تقویت منافع اقتصادی ایران با احتمال گره‌خوردن منافع اقتصادی سازمان شانگهای با کشورهای آسه آن، ژاپن

و کره جنوبی؛

۴. ایجاد مانع در جهت تحریم‌های جدید در شورای امنیت؛

۵. ایجاد یک بازار جایگزین بزرگ و بادوام جهت توسعه صادرات کشور بویژه در برابر بازارهای تحریمی؛

۴. پیامدهای فرهنگی عضویت دائم ج.ا.ا. ایران در سازمان همکاری‌های



جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی از امتیازات فراوانی بهره‌مند است، اکثریت جمعیت کشورهای آسیای مرکزی مسلمان هستند. اشتراکات فرهنگی و تاریخی ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی به گذشته‌ای باز می‌گردد که کشورهای آن منطقه با ایران سرنوشت مشترکی داشته‌اند. قلمروی جغرافیایی واحد در گذشته سبب گردیده بود که این کشورها رویکرد اقتباسی به فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی داشته باشند، به گونه‌ای که امروزه بسیاری از آداب و رسوم و سنی که برخی از آنها حتی در ایران که پدید آورنده آن سنتها بوده فراموش شده ولی در آسیای مرکزی پابرجا مانده است. فرهنگ ایرانی همواره در منطقه آسیای مرکزی از غلبه برخوردار بوده است و بی‌هیچ شبهه‌ای این فرهنگ اصیل قابلیت بسط یافتن و انتشار را در این مناطق دارد و نباید تردید کرد که اگر بخواهیم مناطق مختلف جهان را از نظر میزان تأثیرپذیری از فرهنگ ایرانی - اسلامی تقسیم کنیم، آسیای مرکزی در رأس آن مناطق قرار دارد. با توجه به چنین زمینه‌ای به نظر می‌رسد عضویت دائم ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای پیامدهای فرهنگی زیر را بدنبال خواهد داشت:

۱. تقویت گروه کشورهای فارسی‌زبان در کنار تاجیکستان و احتمال عضویت افغانستان در آینده؛
۲. خنثی کردن تبلیغات رسانه‌ای مبنی بر منزوی شدن جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی؛
۳. تضعیف رابطه علت و معلولی بین اسلام و تروریسم و پیشگیری از تندروی و رفتار ناشایست علیه مسلمانان؛
۴. هرچند اغلب حرکت‌های افراطی اسلامی در منطقه ریشه در وهابیت دارد، لیکن باید توجه داشت که ایران با عضویت در سازمان می‌تواند ضمن تأثیرگذاری بر تصمیمات اعضا، از اعمال سیاست‌های نامناسب توسط سازمان علیه گروه‌های اسلامگرا ممانعت نماید؛
۵. تقویت بحث گفتگوی تمدن‌های اسلام، مسیحیت، کنفوسیوئیسم و بودائیسم؛

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی مطلوب بایستی مبتنی بر واقعیات جامعه بین‌المللی باشد، تاکید ما بر گسترش روابط با کشورهای جنوب است، در حالیکه اگر بخواهیم به یک هژمون منطقه‌ای تبدیل شویم، ناگزیر از تعامل با قدرتهای بزرگ هستیم. چرا که کشورها بر اساس قدرت شان دستور کار بین‌المللی را تعیین می‌کنند. نرم‌ها و قواعد رفتاری در عرصه بین‌المللی را قدرتهای بزرگ تعریف می‌کنند. از قدرتهای بزرگ موجود در عرصه نظام بین‌الملل پسا یازده سپتامبر، جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا و برخی متحدان آن در اروپا رابطه نداشته و یا رابطه سردی دارد. عضویت روسیه و چین در سازمان همکاری‌های شانگهای فرصت مناسبی جهت جایگزینی قدرت‌های آسیایی بجای قدرت‌های غربی در تعاملات جهانی ایران است. تاکید بر ضرورت عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای بر چند استدلال مهم مبتنی است. اول اینکه ایران کشوری است که به لحاظ عضویت در نهادهای منطقه‌ای مؤثر قدری ضعیف است. مثلاً کشورهای پیرامونی ما از جمله کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در نهادهای مختلفی از جمله اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و... حضور دارند و از مزایای عضویت در این نهادها بهره می‌برند. در شمال ایران نیز کشورهای حوزه «سی‌ای‌اس» سازمان‌های مختلفی از جمله سازمان کشورهای هم‌سود، سازمان پیمان امنیت جمعی و... را تشکیل داده و در شرق و غرب نیز روندها و سازمان‌های منطقه‌ای بسیار وجود دارد که کشورهای مختلف در آنها عضویت داشته و طی آن به افزون‌سازی منافع خود مبادرت می‌کنند. در این میان، ایران تنها در یک سازمان منطقه‌ای یعنی آکو عضویت دارد که سازمان اقتصادی محدود و فاقد ابعاد امنیتی و استراتژیک است. در نتیجه، اینکه ایران بتواند در صورت عضویت در سازمان شانگهای از مزایای عضویت در این سازمان بهره‌بردارد، فی‌نفسه واجد مزایا و مطلوبیت‌های بسیار است. اما باید به این نکته توجه داشت که این عضویت یک بُعد آرمانی و ایده‌آل دارد و آن اینکه ایران بتواند در این سازمان منطقه‌ای به عنوان یک عضو اصلی بتواند محور این تشکل منطقه‌ای شود، که متأسفانه در شرایط حاضر امکان‌پذیر نیست. برای این مساله چند دلیل می‌توان ذکر کرد؛ اول اینکه این سازمان از ابتدا یک سازمان برای حل و فصل مسائل مرزی بین روسیه، چین و کشورهای آسیای مرکزی بود. سپس این سازمان به سمت مسائل ضد تروریستی گرایش پیدا کرد. در نهایت در مرحله‌ای که روابط روسیه و آمریکا تیره شد، این سازمان نیز گرایش به ایجاد یک بلوک‌بندی جهانی پیدا کرد که گویا قرار است در آن تعدادی از کشورها در مقابل آمریکا بایستند. اما این مساله موقت و کوتاه بود، چرا که از یک سو امریکایی‌ها تا حدودی از مطامع هژمونی طلبانه خود کوتاه آمدند و به عبارت بهتر، مسائلی برای آمریکا در عراق، افغانستان و نیز چالش‌های اقتصادی داخلی پیش آمد که این کشور را مجبور به کاهش رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی خود کرد. در سوی دیگر و همزمان با اینکه به تدریج روابط روسیه و آمریکا بعد از روی کار آمدن آقای اوباما بهبود یافت، مساله ایجاد بلوکی ضد امریکایی در سازمان همکاری‌های شانگهای نیز منتفی شد. دوم آنکه از همان ابتدا تردیدهای زیادی در ایجاد یک بلوک ضد امریکایی وجود داشت. چرا که چین با توجه به مجموعه منافع اقتصادی موجود و برنامه‌های اقتصادی آتی خود، به هیچ وجه مایل به تبدیل سازمان همکاری‌های شانگهای به یک سازمان امنیتی جهانی نبود. هم‌اکنون نیز پکن هیچ‌گونه تمایلی به ورود به یک رقابت سیاسی، امنیتی و نظامی با غرب در هیچ قالبی از جمله از طریق سازمان شانگهای ندارد. چین درصدد ایجاد یک بلوک تجاری است تا از آن طریق بتواند منافع اقتصادی خود را پیش ببرد. سوم اینکه نکته کلیدی درباره عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران موضوع هسته‌ای ایران است. به نظر می‌رسد که اعضای سازمان علاقه‌ای به تبدیل سازمان همکاری‌های شانگهای به یک کلپ هسته‌ای را ندارند و عضویت دائم ایران در این سازمان



ناخواسته آنها را وارد بحران جهانی خواهد کرد. با عضویت دائم ایران در این سازمان، فشار غرب به این کشورها را که اغلب روابط حسنه ای با ایالات متحده دارند، افزایش خواهد داد. به این ترتیب به نظر می‌رسد که این کشورها با ایران کج دار و مریض رفتار می‌کنند، به این صورت که ایران هم عضو باشد (عضو ناظر) و هم عضو نباشد (عضو دائم). مجموعه این عوامل باعث شده که موضوع عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای هیچگاه به صورت جدی مطرح نشود و یا با موانع بسیار همراه باشد. به همین دلیل، به عقیده من موضوع عضویت ایران در این سازمان در وهله کنونی نمی‌تواند چندان محل بحث و طرح باشد. به همین جهت دستگاه دیپلماسی کشور بایستی موارد زیر را در این خصوص پیگیری نماید:

۱. تلاش در جهت افزایش وابستگی چین و هند به منابع انرژی نفت و گاز ایران؛ از جمله پیگیری خط لوله گاز به پاکستان و هند؛
۲. پیگیری احیاء نقش استراتژیک ایران در کریدور ارتباطی و حمل و نقل شمال به جنوب و غرب به شرق؛
۳. تلاش در جهت حل و فصل مسالمت آمیز مساله هسته ای کشور، به گونه ای که به منافع ملی کشور آسیبی وارد نشود؛
۴. پیگیری گسترش ائتلاف سازی های منطقه ای و فرا منطقه ای جهت داشتن آلت‌رناتیوهای جایگزین؛
۵. تلاش در جهت افزایش اعتماد سازی، از طریق گسترش روابط دوجانبه با کشورهای عضو و بهره برداری از آن در پیشبرد اهداف در سازمان؛

۶. تاکید بر هر دو جنبه ایجاد موازنه نرم در سیاست خارجی؛ گسترش توانمندی داخلی و ائتلاف سازی خارجی.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

انوری، حمیدرضا و رحمانی موحد، مرتضی (۱۳۸۷). سازمان همکاری شانگهای؛ چشم اندازی به سوی جهان چندقطبی، تهران: وزارت امور خارجه. ایسنا (۱۳۸۹). "متکی دهمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای"، تهران: سرویس سیاسی خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۱ خردادماه، کد-خبر ۱۳۹۵۲-۸۹۰۳ به آدرس: www.isna.ir

ایکنبری، جی. جان (۱۳۸۲). تنها ابر قدرت؛ هژمونی آمریکا در قرن ۲۱، عظیم فضلی پور، تهران: نشر موسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران. بلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳). جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، ۲ جلد، تهران: نشر موسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران.

توحیدی، ام البنین (۱۳۸۶). "رویکرد نوین سیاست خارجی هند"، معاونت پژوهشهای سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک به نقل از سایت مرکز به آدرس:

<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=07&depId=44&semId=874>

حبیبی امین، سالله (۱۳۸۱). نقش آمریکا در منطقه خزر؛ نقش قدرت‌های خارجی، تهران: مؤسسه مطالعات دریای خزر. حسینی پور، محمد (۱۳۸۸). "حضور ایران در اجلاس سران شانگهای؛ نتایج و پیامدها"، اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به نقل از آدرس:

<http://r.iribnews.ir/UserFiles/File/beynolmelal/I.485.2.pdf>

خیری، کابک (۱۳۸۰). "نقش های جدید روسیه در محیط متحول امنیت بین المللی، ماهنامه برداشت اول، سال اول، شماره اول. رامونت، ایگناسیو (۱۳۸۳). "فوق قدرت"، میترا شعبانی، به نقل از سایت باشگاه اندیشه به آدرس:

<http://www.bashgah.net/pages-4320.html>

رضائی، علیرضا (۱۳۸۸). "تبیین چالش های نظام بین الملل پس از فروپاشی ساختار دوقطبی". تز دکتری تخصصی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

سنایی، مهدی (۱۳۸۹). "آسیب شناسی سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی"، به نقل از سایت ایراس به آدرس: <http://www.iras.ir/fa/pages/?cid=9688>

فریدمن، رابرت (۱۳۸۱). "روابط ایران و روسیه در دهه ۹۰"، داود رضایی اسکندری. فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، تابستان. قاضی زاده، شهرام و طالبی فر، عباس (۱۳۸۸). سازمان همکاری شانگهای؛ همگرایی نوین منطقه ای، تهران: نشر لقاالنور. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۶). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: نشر سمت.

کندی، پاول (۱۳۷۴). به سوی سده بیست و یکم، فریدون دولتشاهی، تهران: نشر اطلاعات.

کمیسون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا (۱۳۸۳). استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم، جلال دهمشگی، بابک فرهنگی و ابوالقاسم راه چمنی، تهران: نشر موسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران.



کیانی، داود (۱۳۸۵). "امنیت انرژی اتحادیه اروپایی پس از بحران انرژی روسیه- اوکراین"، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک به نقل از سایت مرکز به آدرس:

<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=06&depId=44&semId=457>

لاین، کریستوفر (۱۳۸۶). "بازنگری در پندار یکجانبه گرایی: پایان جریان یکجانبه گرایی آمریکا"، محمود یزدان فام، فصلنامه برداشت دوم، مرکز بررسی های ریاست جمهوری، سال چهارم، شماره ششم، زمستان.

موسوی، رسول (۱۳۸۲). "رقتارشناسی سیاسی روسیه در عرصه تحولات جدید بین‌المللی"، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، پاییز. موسویان، حسین (۱۳۸۵). "سیاست خارجی ایران در اوراسیا: مسائل منطقه‌ای و جهانی، خزر، انرژی و عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای"، به نقل از سایت مرکز تحقیقات استراتژیک به آدرس:

<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=00&depId=45&semId=119>

نای، جوزف (۱۳۸۶). "عنصر ترس در روابط چین و آمریکا"، روزنامه کارگزاران، سوم بهمن ماه. واعظی، محمود (۱۳۸۵). "سازمان همکاری شانگهای و ایران"، همشهری دیپلماتیک، شماره سوم، خردادماه. ----- (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

----- (۱۳۸۸). "منافع روسیه و غرب در آسیای مرکزی و قفقاز و نقش تشکل‌های چندجانبه"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۶ تابستان، به نقل از سایت مرکز تحقیقات استراتژیک به آدرس:

<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=07&depId=44&semId=2062>

هاس، ارنست (۱۳۸۵). "مطالعه همگرایی منطقه‌ای: تأملاتی در باب شادکامی‌ها و تلخ‌کامی‌های پیش‌نظریه‌سازی"، در اندرو لینکلتر. جامعه و همکاری در روابط بین‌الملل، بهرام مستقیمی، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

همشهری (۱۳۸۸). "پیشنهادهای احمدی‌نژاد به شانگهای"، همشهری آنلاین به آدرس:

<http://www.hamshahrionline.ir/news-83633.aspx>

(ب) منابع انگلیسی

Atal, Subdoh (2005). "The new great game", the national Interest, fall. Vol, 81.

Austin, Greg (2002). "European Union Policy Responses to the Shanghai Cooperation Organization", European Institute for Asian Studies (EIAS), In: WWW.EIAS.ORG

Bailes, Alyson J.K. et al. (2007). The Shanghai Cooperation Organization, SIPRI Policy Paper. No.17, May. In:

www.sipri.org/contents/publications/policypaper17.html#download.

Craig, Timothy (2003). "The Shanghai Cooperation Organization: Origins and Implications, Naval Postgraduate School thesis, Monterey, California.

Chung, Ching-Peng (2004). "The SCO: China's changing influence in Central Asia", The China Quarterly, Issue 180.

Cohen, Ariel (2006). "After the G-8 Summit: China and the Shanghai Cooperation Organization", China and Eurasia Forum Quarterly, Vol 4, No. 3.

Gleason, Gregory & Shaihtudinov, Marat E. (2005), "Collective Security and non-state actors in Eurasia", International Studies Perspectives, Vol, 6(2). May.

Gorchakov, Boris (2006). "Shanghai Cooperation Organization: A Paradigm for Geopolitical Determinism", World Affairs Review, Vol 1, April.

Harris, Stuart (2005). "China's regional policies: how much hegemony", Australian Journal of International Affairs, Vol, 59(4). December.

Lukin, Alexander (2004). "SCO: problems & prospects", International Affairs, Vol, 50(3).

Pape, Robert A. (2005). "Soft Balancing against the United States". *International Security*. Vol. 30, No.1. Summer.

Troitsky, Mikhail (2007). A Russian Perspective on the Shanghai Cooperation Organization", In Bailes, Alyson J.K. et al.

SCO Website A (2009). "The Interbank Consortium of the Shanghai Cooperation Organization", www.sectsco.org/EN/show.asp?id=51



- B (2009). "The Business Council of the Shanghai Cooperation Organization", www.sectsc.org/EN/show.asp?id=52
- Swanstrom, Niklas (2004). "The prospects for multilateral conflict prevention and regional cooperation in Central Asia", Central Asian Survey, Vol, 23. March.
- Waltz, Kenneth (1979). Theory of International Politics, New York: Random House.
- Weitz, Richard (2003). "Way Russia and China have not formed an anti-American alliance", Naval War College Review, Vol, 56(4). Autumn.
- Zhuangzhi, Sun (2004). "New and old regionalism: The SCO and Sino-Central Asian relations", The Review of International Affairs, Vol, 3(4).



Membership in SCO and the Islamic Republic of Iran national Interest

Alireza Rezaei Ph.D

Islamic Azad University, Hamedan Branch

Abstract

SCO capacities with regard to membership of two members from the five permanent members of UN Security Council (Russia and China), having more than one third the world population, area and attach any economic potentials, promising a potentially powerful coalition available to. Iran now has observer status in the organization. Regarding his request for permanent membership in the organization, to consider the consequences reaches review membership organization in the form of representation of the opportunities and challenges of membership, policy can be mentioned in connection with the issue of foreign policy to facilitate the Islamic Republic of Iran to. This article Bran that permanent membership in this organization can four aspects of political, security, economic and cultural importance is. While analyzing the consequences of four Iranian memberships in the organization, the future role of the organization in the field between the systems examines Affairs organized. In the end, where as the proposal for the Islamic Republic of Iran diplomacy system in this area will be provided.

Key words:

Shnghai Cooperation Organization, the consequences of Iran's permanent membership, Soft balancing, Post-Cold War international system, United States of America, Europe Union.